

روش ترجمه در دارالترجمه ناصری

سمیه دل‌زنده‌روی

دارالترجمه خاصه دولتی/همایونی که به دارالترجمه ناصری شهرت یافته است در ۱۲۸۸ق/ ۱۲۵۰ش به دستور ناصرالدین شاه تأسیس شد. مترجمان دارالترجمه را ایرانیان فرنگ‌رفته یا خارجی‌ان مقیم ایران که به دربار راه پیدا کرده بودند تشکیل می‌دادند. هدف این مقاله توصیف روش ترجمه مترجمان دارالترجمه با استناد به گفته‌های خودشان است. بدین منظور از مقدمه‌ها و مؤخره‌هایی که مترجمان دارالترجمه بر ترجمه‌های خود نوشته‌اند استفاده کرده‌ایم.

دارالترجمه ناصری؛ سه دوره فعالیت

دارالترجمه ناصری، پس از مرکز ترجمه جندی شاپور در عصر ساسانیان، اولین دارالترجمه دولتی بود که در ایران ایجاد شد. خبر تأسیس این نهاد طی اعلانی در روزنامه دولتی *ایران* که در دارالطباعه خاصه در ارگ همایون به ریاست محمدحسن خان اعتمادالسلطنه چاپ می‌شد، در تاریخ هفتم شعبان ۱۲۸۸ق به آگاهی عموم رسید. این اعلان که در صفحه اول روزنامه *ایران* نمره ۴۸، آمده به شرح زیر است:

حسب الامر الاقدس العلی سابقاً امر و مقرر شده بود که دارالترجمه همایونی انعقاد یافته و جمعی مترجمین ایرانی که بفرنگستان رفته بمراقبت و توجه اولیای دولت تربیت یافته‌اند و مترجمین خارجه که از دول مختلفه بدربار همایون آمده‌اند مجتمع شده باین تفصیل (آقا میرزا رضای کاشانی (مسیو پروسکی) میرزا هارتون خان (میرزا علیخان) میرزا علیقلی (ماردروسخان) بترجمه و خدمات مرجوعه پردازند و حسب الامر الاعلی از تاریخ بیستم شهر شعبان المعظم دارالترجمه مبارکه سمت انعقاد خواهد یافت و در سایه عنایت بندگان اقدس اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاهی سوای دوشنبه و جمعه مجلس دارالترجمه منعقد خواهد بود و محض رواج السنه مختلفه و ترقی این صنعت در مملکت محروسه مقرر و اعلان میشود که در ایام همه روزه از دو ساعت بغروب مانده تا هنگام غروب مترجمین داخله و خارجه از چهار زبان تدریس مینمایند زبان فرانسه زبان انگلیس زبان روس ترکی اسلا[م]بولی و هرکس از اعالی و ادانی در وقت معین در دارالترجمه حاضر

شود بدون اینکه چیزی از او خواسته باشند قبول نموده مجاناً او را بهر یک ازین چهار زبان میل باشد می آموزند محض اعلان عمومی در اینروزنامه مبارکه سمت انطباع یافت.

ظاهراً طبق آنچه اعتمادالسلطنه در کتاب *المآثر و الآثار* آورده است هدف از تأسیس دارالترجمه این بوده که ناصرالدین شاه از اخبار جهان مطلع شود. در باب هشتم این کتاب اعتمادالسلطنه درباره «افتتاح دارالترجمه خاصه در دربار دارالخلافه طهران» چنین می آورد:

امروز وضع دول ایران و انیران عموماً برخلاف جمیع قرون ماضیه و احقاب خالیه است. شغل ملک داری و فرمانگزاری را در این اعصار شرایطی بهم رسیده و تکالیفی پدیدار آمده است که در سلطنتهای سابق دنیا از بسیار آن اندکی و از هزارانش یکی نبوده، من- جمله میبایست از تمام پلیتیک دول روی زمین شخص همایون پادشاه آگاه بوده و از کافه افکار و اخبار هر مملکت استحضار داشته باشد، لهذا از سالهاست که بر حسب امر جهان مطاع شاهنشاه ایران در کرسی این مملکت مینونشان مجتمعی حاصل از برآمدگان عصر همایون و پروردگان مدرسه دارالفنون در تحت ریاست این بنده ذلیل تشکیل یافته جمیع جرائد و جرائیل و گازتها از تمام دولتها و حکومتها و ایالات وارد آنجا می گردد و از السنه شتی و لغات مختلف به پارسی ترجمانی می شود و هر به چند روز یکبار از لحاظ اقدس شهریار می گذرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۵۵).

دوره فعالیت دارالترجمه را می توان به سه دوره تقسیم کرد: در دوره اول که دوازده سال به طول انجامید، تعداد مترجمان بین سه تا چهارده نفر بوده است. ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۳۰۰ ق برابر با ۲۲ مهر ۱۲۶۲ ش دستور داد نهاد «مفصل و منظمی» مخصوص ترجمه به ریاست محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، مترجم مخصوص شاه، دایر شود. این سال آغاز مرحله دوم فعالیت دارالترجمه به حساب می آید و تا مرگ ناصرالدین شاه در ۱۳۱۳ ق/۱۲۷۵ ش ادامه پیدا می کند. در این دوره ۱۳ ساله، ساختار دارالترجمه نظام مندتر شده و با تشکیل وزارت انطباعات به یکی از زیرمجموعه های اصلی این وزارتخانه درمی آید. همچنین مترجمان از حقوق و یونیفرم خاص (ماهوت آبی) برخوردار شدند و به طور منظم با شاه سالیانه دیدار داشتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۳۱۹). تعداد مترجمان در این دوره بین ۱۳ تا ۱۹ نفر بوده است. مرحله سوم فعالیت دارالترجمه از زمان به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه یعنی ۱۳۱۳ ق/۱۲۷۵ تا انقلاب مشروطه ۱۳۲۶ ق/۱۲۷۸ ش ادامه می یابد.

روش ترجمه

از مقدمه‌ها و مؤخره‌هایی که مترجمان دارالترجمه بر کتاب‌هایشان نوشته‌اند این گونه استنباط می‌شود که مترجمان در طول مدت فعالیت خود دو روش ترجمه به کار برده‌اند. ترجمه‌هایی که در مرحله اول فعالیت دارالترجمه یعنی از سال ۱۲۸۸ق یا حتی کمی قبل‌تر از آن (مثلاً ۱۲۸۶ق که مترجمان در دربار برای شاه ترجمه می‌کردند) تا سال‌های اولیه گسترش دارالترجمه یعنی ۱۳۰۲ق، روش ترجمه طبق دستور ناصرالدین شاه لفظ‌به‌لفظ بوده است. در این دوره مترجمان بر تحت‌اللفظی بودن ترجمه‌های خود طبق خواست شاه تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال عیسی گروسی (میرزا عیسی خان) مترجم زبان فرانسه و عربی واژه «تحت‌اللفظ» را حتی در عنوان کتاب *سفرنامه دکتر لرتیه* هم آورده است: «ترجمه تحت‌اللفظ سفرنامه دکتر لرتیه». وی که از سال ۱۲۹۴ق تا ۱۳۰۳ق در دارالترجمه مشغول به کار بوده در اکثر ترجمه‌های خود بر تحت‌اللفظی بودن ترجمه تأکید کرده است. به عنوان مثال در مؤخره کتاب *سفرنامه هارمان* آورده است: «در صحت ترجمه تحت‌اللفظ و لطف ترجمه تقصیر نکرد». یا در ترجمه *شارل ژولیه*، گروسی چنین عنوان کرده است:

سفرنامه شارل ژولیه نام در فرانش کنت و شرح آبشار دوب سنه هزار و دویست و نود و هفت هجری برحسب امر قدر قدر جهانمطاع اعلیحضرت اقدس همایون ظل‌الله تعالی روح‌العالمین له‌الفدا ترجمه و تحریر کرد و سبک ترجمه را بسبک انشاء سیاح مزبور قرار داد (گروسی، ۱: ۱۲۹۷).

مقصود گروسی از تقلید سبک نویسنده همان ترجمه تحت‌اللفظی بوده چون گروسی همه‌جا بر انتقال عین کلام نویسنده تأکید کرده است. مادروس خان نیز در صفحه اول کتاب *تاریخ جدید* اثر لامه فلوریه روش ترجمه خود را این‌گونه توصیف کرده است:

... این بنده درگاه ماردروس داود خانف مترجم باهتمام و مواظبت جناب معتمدالملک کماکان و مطابق با اصل و بلااختلاف از زبان فرانسه بفارسی در دارالترجمه مبارکه به ترجمه رسانید و صورت اتمام یافت این کتاب در پانزدهم محرم الحرام سنه ۱۲۷۸ (مادروس خان، ۱: ۱۲۸۷).

همچنین مادروس خان در مؤخره کتاب *تاریخ ترکستان* چنین آورده است:

چنانچه گمان مصنف اینکتاب بوده، چنانچه نوشته است که از آنچه دیده و شنیده چیزی را از صفحه تحریر نینداخته مترجم حقیر نیز اعتقادش براینست که آنچه در اصل این

کتاب ثبت شده بعینه و بلا تفاوت تغییر مطلبی جزئی یا کلی بترجمه درآمده است (مادروس خان، ۱۳۸۶ق: ۳۰۹).

تلاش برای نشان دادن عدم دستکاری در متن اصلی به اندازه‌ای بوده که مترجمان با عبارات و اصطلاحات مختلف بر این منظور خود تأکید می‌کردند؛ سیدحسین شیرازی در مقدمه تاریخ هندوستان / تاریخ پنجاب / تاریخ و جغرافیای مملکت پنجاب بعد از اینکه مطالب مورد بحث در کتاب را عنوان می‌کند روش ترجمه خود را به صورت زیر بیان می‌کند و در آن حتی از تعبیر احادیث نیز بهره می‌جوید:

... تا بزبان فارسی و بیان پهلوی ترجمانی نماید پس حتی الاستطاعه بقدرالوسع والطاقه حرفاً بحرف و سطرأ بسطر ترجمه را حذو النعل بالنعل و القده بالقده^۱ میان همت بست و سعی مشکور و بذل جهد موفور نمود (شیرازی، ۱۳۰۰ق: ۶).

میرزا رحیم خان مترجم زبان انگلیسی نیز در حاشیه مقدمه خود بر کتاب تاریخ مملکت ایران و سلطنت سلسله جلیله قاجاریه نوشته مارخام نایب وزارت امور خارجه انگلیس، آورده است که بر حسب امر ناصرالدین شاه:

از ترجمه تحت‌اللفظی خارج نمیشود و بهیچوجه درصدد عبارت‌سازی و انشاپردازی بر نمی‌آید و چیزی از گفته‌های مصنف که در کمال آزادی و جسارت و بلکه در بعضی مواقع از روی عناد نگاشته نمیکاهد و از خویشتن چیزی بدان نمیافزاید چه مقصود از امر اقدس شاهنشاه خلدالله ملکه و دولته از ترجمه این کتاب فقط استحضار خاطر [...] خسروانه است از آنچه در آن مندرج است در اینصورت با کمال عجز و [...] از بزرگان مملکت و اربابان علم و بصیرت معذرت میجوید که بحکم المأمور و معذور قلم عفو بر عبارات ناسلیس آن کشند و هرگاه قصوری رفته از مترجم عاجز حقیر ندانند (میرزا رحیم خان، ۱۳۰۲: ۱-۲).

همانطور که پیداست، انجام ترجمه به روش تحت‌اللفظی، دست کم در مرحله اول فعالیت دارالترجمه، در جهت هدف حامی و بانی اصلی دارالترجمه است، و لذا تعجیبی ندارد که مترجم بر ترجمه بی‌کم و کاست متن اصلی تأکید ورزد و ترجیح دهد نثر ترجمه «ناسلیس»

^۱ اشاره است به حدیث مربوط به رخداد رد شمس که در آن چنین آمده است: وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّ مَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ حَذْوِ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ.

باشد تا اینکه با تغییر انشای متن و نوشتن متنی روان این ظن را در ناصرالدین شاه ایجاد نماید که در متن اصلی دست برده و چیزی از آن کم و یا بدان افزوده است. در مراحل دوم و سوم فعالیت دارالترجمه مترجمان نه تنها دیگر سخنی از ترجمه تحت‌اللفظی به میان نمی‌آورند بلکه از ترجمه «بلیغ» (علی مترجم، ۱۳۰۸: ۲) و ترجمه «با عبارتی ساده بفارسی» (علی محمد مستوفی، ۱۳۰۹: ۱) سخن می‌گویند. در ادامه مقدمه علی محمد مستوفی می‌آید:

«... علی الجملة کتابی وافی و جامع است این اقل عباد و کمترین خاندان دولت جاوید بنیاد علی محمد مستوفی دیوان اعلی نایب وزارت انطباعات و مدیر روزنامه‌جات ایران از جریده عربیه (اللطائف) منطبعه قاهره مصر با عبارتی ساده بفارسی ترجمه نموده مرجو آن است که مقبول نظر مطالعه کنندگان افتد و از زلات (لغزشها) آن عفو اغماض فرماید»

حتی اگر جایی از متن نیاز به توضیح داشته، مترجم توضیح را می‌آورده و در مقدمه خود نیز به این مطلب اذعان می‌کرده است. به عنوان نمونه، محمد عارف در بخشی از مقدمه‌ای که بر ترجمه سفرنامه خلیفه نوشته است چنین آورده است:

... مجموع کتاب که عبارت از ۱۲۹۵۰ بیت کتابت بود تا آخر ماه ربیع‌الاول سنه هزار و سیصد و سه بانجام رسانید و بعضی جاها که محتاج بشرح و ایضاح بود متعرض شده در حاشیه نگاشت. امید و استدعا از واقفان کم و کیف معانی و ناقدان نقد و [] الفاظ چنان است که هر سهو و غلطی در سیاق عبارات و سبک انشاء آن مشاهده فرمایند خاطر نکته‌سنج را برنج انتقاد و تعداد اغلاط آن نیفکنده از روی لطف بهره‌چراغ التفات فرمودند اقدام به اقاله عثرات و تصحیح غلطات املا و سقطات انشاء ما یراد و ما شاع و ماشأ نموده خدمتی بعالم علوم و فنون فرمایند چه مراد ازین ترجمه نه ترشیح و ترصیح کلام و اظهار فضیلت و کمال بود بل بالفاظ معمول و متداول فهمانیدن مقصود و مآل (عارف خان، ۱۳۰۳: ۶-۷).

همان‌گونه که پیداست، رفته‌رفته آنچه برای مترجمان اهمیت پیدا می‌کند برگرداندن لفظ به لفظ متن اصلی نیست بلکه «فهمانیدن مقصود و مآل» و تمرکز بر سلاست و منظور و توجه به خواننده بیشتر می‌شود تا جایی که محمدعلی فروغی در ۱۳۱۷/۱۸ق در مقدمه ترجمه تاریخ ملل قدیمه مشرق صراحتاً به پیروی نکردن از مؤلف اصلی اشاره می‌کند و می‌گوید:

... در عرض مدت ده سال که این اقل مشغول تدریس علوم متنوعه علی‌الخصوص شعب مختلفه علم تاریخ بوده بتجربه معلوم کرده‌ام که غالباً ترجمه عین کتب خارجه برای متعلمین ایرانی مناسبت ندارد و مقتضی حال ایشان نیست لهذا مصمم شدم در این طبع جدید بمتابعت تامه مسیو سینوبس فرانسوی مؤلف اصل کتاب مقید نشوم و تصرفات لازم را از حذف بعضی زواید و اضافه برخی فواید در آن بنمایم (فروغی، ۱۸/۱۳۱۷: ۱-۲).

بدین ترتیب، همانطور که دیدیم، روش ترجمه مترجمان دارالترجمه ناصری - دست کم به ادعای خود مترجمان- از بدو فعالیت دارالترجمه تا پایان حیات ناصرالدین شاه به تدریج از تحت‌اللفظی به سمت روان و بلیغ تغییر پیدا کرد. با اینهمه، تغییر روش ترجمه مترجمان، به هردلیلی که بوده، بدین معنا نبود که ناصرالدین شاه نظارت کمتری بر کتاب‌های ترجمه‌ای داشته است، برعکس، وی برای نظارت هرچه بیشتر کتب ترجمه‌ای دست به اقدامی زد که بنیان ترجمه و نشر را برای همیشه در ایران تغییر داد. این اقدام ایجاد اداره سانسور به پیشنهاد اعتمادالسلطنه بود که بر محتوای کتاب‌ها و رساله‌ها چه آنان که از خارج به ایران ارسال می‌شدند چه آنان که در ایران به چاپ می‌رسیدند نظارت می‌کرد.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۴۵)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (۱۳۶۳)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، المآثر و الآثار*. ج ۱. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- شیرازی، سیدحسین (۱۳۰۰ق). *تاریخ هندوستان / تاریخ پنجاب / تاریخ و جغرافیای مملکت*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- فروغی، محمدعلی (۱۳۲۷ق). *تاریخ ملل قدیمه مشرق*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی
- عارف، محمد (۱۳۰۳ق). *سفرنامه حیوق*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- علی مترجم (۱۳۰۸ق). *سفرنامه استنلی به آفریقا*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- گروسی، عیسی (۱۲۹۷ق). *سفرنامه دکتر هارمان*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- گروسی، عیسی (۱۲۹۷ق). *سفرنامه شارل ژلیه*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- مادروس خان (۱۲۸۶ق). *تاریخ ترکستان*. تهران: دارالترجمه همایونی.
- مادروس خان (۱۲۸۷ق). *تاریخ جدید*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- مستوفی، علی محمد (۱۳۰۹ق). *تاریخ جنگ سودان*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
- میرزا رحیم خان (۱۳۰۲). *تاریخ مملکت ایران*. تهران: دارالترجمه خاصه دولتی.
